

الفهرس

هفت	مقدمه
١	الدرس الأول:
١	الفعل المجرد و المزيّد
٢١	الدرس الثاني:
٢١	المصادر
٣٥	الدرس الثالث:
٣٥	الفعل الصحيح و المعتلّ
٤٣	الدرس الرابع:
٤٣	الإعلال بالحذف
٥٧	الدرس الخامس:
٥٧	الإعلال بالقلب
٧٥	الدرس السادس:
٧٥	الإعلال بالتسكين
٨٥	الدرس السابع:
٨٥	الإبدال
٩٩	الدرس الثامن:
٩٩	الإدغام
١٣٣	الدرس التاسع
١٣٣	الجامد و المشتق
١٥١	الدرس العاشر
١٥١	الأسماء المشتقة
١٦٣	الدرس الحادى عشر
١٦٣	صيغ المبالغة

١٦٩	الدرس الثاني عشر
١٦٩	اسم التفضيل
١٧٩	الدرس الثالث عشر
١٧٩	اسم الزمان و اسم المكان
١٨٧	الدرس الرابع عشر
١٨٧	إِسْمُ الآلَةِ
١٩٣	الدرس الخامس عشر
١٩٣	العدد (الف) ألفاظه
١٩٩	الدرس السادس عشر
١٩٩	العدد (ب) أحكامه
٢٢٩	الدرس السابع عشر
٢٢٩	العدد الترتيبي والكنيات
٢٤٩	الدرس الثامن عشر
٢٤٩	النواسخ
٢٧١	الدرس التاسع عشر
٢٧١	الحروف العاملة عملَ لَيْسَ (ما، لا، لات، إن)
٢٨٧	الدرس العشرون
٢٨٧	أفعالُ المقاربة
٣٠٥	الدَّرْسُ الواحد والعشرون
٣٠٥	الحروف المشبهة بالفعل
٣٣٥	الدرس الثاني والعشرون
٣٣٥	لا النافية للجنس
٣٥٥	الدَّرْسُ الثالث والعشرون
٣٥٥	ظَنَّ و أخواتها

مقدمه

با توکل بر ذات بی‌همتای حضرت حق‌باری تعالی، و با استعانت از درگاه پر مهرش، نگارش کتاب صرف و نحو کاربردی (۲) بعد از نگارش جلد اول این کتاب یعنی صرف و نحو کاربردی (۱)، به اتمام رسید.

کتاب حاضر طبق سرفصل درسهای دوره کارشناسی الهیات و معارف اسلامی، مصوب سیصد و دوازدهمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت محترم علوم، تحقیقات و فناوری مورخ ۱۳۷۴/۱۱/۸، برای دانشجویان عزیز دانشگاه پیام نور نوشته شده است.

سرفصل این درس شامل موضوعات زیر است:

مجرد و مزید در افعال و مصادر آنها، اعلال، ابدال و ادغام، جامد و مشتق (اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مکان، اسم زمان، صفت مشبّهه، صیغه مبالغه، اسم تفضیل، اسم آلت)، اعداد، نواسخ شامل افعال ناقصه، حروف مشبّهه بالفعل، افعال مقاربه، لای نفی جنس و

تمام موضوعات سرفصل این درس، در این کتاب به‌طور مفصل بررسی شده است، راهنمای نگارنده در تدوین این کتاب و بعضی از منابع^۱ عبارتند از:

۱. جدیدترین کتابهایی که در مورد شیوه تدریس صرف و نحو عربی برای غیر عرب‌زبانها نوشته شده است، مانند:

۱. فهرست منابع در آخر کتاب خواهد آمد.

- القواعد العربية الميسرة - سلسلة في تعليم النحو العربي لغير العرب.
- الكتاب الاساسى فى تعليم اللغة العربية لغير الناطقين بها.
۲. کتابهای صرف و نحو عربى که علمای پیشین به رشته تحریر درآورده‌اند، و سالهای متمادی در حوزه‌ها و دانشگاهها، تدریس شده‌اند، مانند:
- شرح ابن عقيل برالفیه ابن مالک.
- شرح قطراندى 'وَبَلُّ الصدى'، تألیف ابن هشام انصارى.
۳. کتابهایی که استادان محترم دانشگاه در این زمینه نوشته‌اند، و تألیف آنها نتیجه تجربیات سالیان تدریس آنها در دانشگاهها است، مانند:
- اصول النحو، تألیف مرحوم دکترعلی اکبر شهابی.
- اصول الصّرف، تألیف مرحوم دکترعلی اکبر شهابی.
- ویژگیهای کتاب به شرح زیر است:
۱. مطالب کتاب طبق ترتیب سرفصل وزارت محترم علوم، تحقیقات و فناوری نگاشته یافته است، و نظم معمول در کتابهای صرف و نحو قدیم چون الفیه، رعایت نشده است. مطالب صرف از مطالب نحو جدا نمی‌باشد.
۲. سبک نگارش به زبان عربی ساده بوده، و دانشجوی رشته الهیات که کتابهای عربی دوره راهنمایی و دبیرستان را خوانده است، می‌تواند مطالب این کتاب را خوب بفهمد.
۳. ابتدا قاعده ذکر شده است، سپس مثالهایی آورده شده، تا دانشجو بتواند قاعده را در مثالها بیابد.
۴. اکثر مثالها از قرآن کریم بوده، و در هر درس اولین تمرین از قرآن مجید است. چون به اعتقاد ما هدف از یادگیری زبان عربی فهمیدن آیات قرآن کریم و متون اسلامی است.
۵. در هر درس سعی شده است که دانشجویان با کلمات جدیدی آشنا شوند. (چون لازمه یادگیری یک زبان دانستن دستور آن زبان (Grammar)، و واژه‌های آن زبان (Vocabulary) است. این کلمات بیشتر از قرآن مجید، و عبارت متون قدیم و جدید است.
۶. به دنبال شرح قواعد صرف و نحو، بیت یا ابیاتی از الفیه ابن مالک آمده، که او قاعده را به طور بسیار مختصری به نظم درآورده است، دانشجویان با حفظ کردن این ابیات قواعد را به ذهن خواهند سپرد، و از آنها استفاده خواهند کرد.

۷. باتوجه به اینکه دسترسی به استادان محترم برای دانشجویان این دانشگاه میسر نیست، و فقط در طول ترم چند ساعتی در محضر ایشان می‌باشند، و فرصت حلّ تمام تمرینها سر کلاس نمی‌باشد، لذا در پایان هر درس تمام تمرینها حل شده است. به دانشجویان عزیز توصیه می‌شود که اوّل خود تمرینها را حل نموده بعد برای اطمینان از کار خود به حلّ تمرینها مراجعه نمایند. که این روش خودآزمونی است برای دانشجویان، در صورتی که دانشجو تمرینها را غلط حل نموده باشد نشانه این است که مطالب را خوب یاد نگرفته است، پس باید درس را دوباره بخواند، تا بتواند تمام تمرینها را حل کند.

باتوجه به اینکه این کتاب در مدت بسیار کوتاهی باوجود اشتغال زیاد نوشته شده است، نگارنده هیچ ادعایی ندارد که تألیفش عاری از عیب و نقص است، لذا از استادان محترم و همکاران عزیز که این کتاب را تدریس خواهند نمود استدعا دارد، لغزشهای قلم را براین نگارنده ببخشایند، و پیشنهادهای دقیق خود را از طریق گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه پیام نور برای اینجانب ارسال فرمایند، که ضمن تشکر از آن سروران عزیز، در چاپ بعدی مورد استفاده قرار گیرد. چه خوش گفته است شاعر:

يَا نَاطِرًا فِيمَا عَمَدَتْ لَجْمَعِهِ	عُذْرًا، فَإِنَّ أَخَالَفُضِيلَةَ يَعْذُرُ
عِلْمًا بِأَنَّ الْمَرْءَ لَوْ بَلَغَ الْمَدَى	فِي الْعُمُرِ لَأَقَى الْمَوْتَ وَ هُوَ مُقَصَّرُ
فَإِذَا ظَفَرَتْ بِزَلَّةٍ فَافْتَحْ لَهَا	بَابَ التَّجَاوُزِ، فَالتَّجَاوُزُ أَجْدَرُ
وَمَنْ الْمَحَالِ بِأَنْ نَرَى أَحَدًا حَوَى	كُنْهَ الْكَمَالِ وَ ذَا هُوَ الْمُتَعَذِّرُ
وَالنَّقْصُ فِي نَفْسِ الطَّبِيعَةِ كَامِنٌ	فَبْنُو الطَّبِيعَةِ نَقْصُهُمْ لَا يُنْكَرُ

و در پایان شایسته است از ریاست محترم وقت گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه پیام‌نور جناب آقای دکتر میردامادی، که فرصت نگارش این کتاب را فراهم نموده‌اند تشکر و قدردانی می‌شود، و همچنین از تلاشها و زحمات بی‌وقفه دفتر تدوین کتابهای این دانشگاه به ویژه ریاست محترم این دفتر، و کارکنان و ماشین‌نویسان، و بخش چاپ و انتشارات، تشکر و سپاسگزاری می‌شود. توفیق روزافزون در راه نشر علم برای همگان از درگاه پرمهر ایزد منان - اکرم‌الاکرمین - خواهانم، وما توفیقی الاّ به.

دکتر سیداحمد امامزاده

بهمن ۱۳۷۵

مقدمه تجدید چاپ

حدود ۱۰ سال از عمر این کتاب می‌گذرد، تولد آن در اسفندماه سال ۱۳۷۵ بوده است، که در طول این مدت در کلاسهای درس توسط اینجانب و استادان محترم عرضه شده است، و کاستیها رخ نموده است، حال وقت آن رسیده است که تجدیدنظر در مطالب کتاب صورت گردد، و نقایص آن برطرف شود.

موارد اصلاح به شرح زیر است:

۱. فهرس کتاب (دو قسمت قبلی) درهم ادغام شده است.
 ۲. صفحات کتاب مسلسل گردیده است. (پس از ادغام دو قسمت)
 ۳. غلطهای چاپی به ویژه علمی تصحیح شده است.
 ۴. آدرس دقیق آیات قرآن کریم نوشته شده است.
 ۵. پاسخ برخی از تمرینها اضافه شده است.
 ۶. بعضی از مثالهای کتاب تغییر داده شده است.
- از استادان محترمی که کتاب را تدریس می‌کنند، استدعا دارد که با نقد و پیشنهادهای سازنده خود، اینجانب را در راستای بهبود محتوای کتاب یاری کنند.
- در پایان، برخود فرض می‌دانم که از تلاشهای جناب آقای محمدی سرپرست محترم گروه الهیات، و جناب آقای دکتر سید کاظم عسکری، ویراستار محترم کتاب، و کارکنان گرامی «دفتر تدوین» و انتشارات تشکر و تقدیر نمایم، توفیق همه آنها را از درگاه پرمهر خداوند متعال خواهانم، وما توفیقی إلا بالله.

دکتر سید احمد امامزاده

بهمن ۱۳۸۵

الدّرس الأوّل

الفعلُ المجرّدُ والمزیدُ

هدف کلی

آموختن فعلهای مجرد و مزید.

هدفهای آموزشی

دانشجو پس از خواندن این درس باید بتواند به سؤالهای زیر پاسخ دهد:

۱. فعل مجرد و مزید کدام است؟
۲. فعل ثلاثی مجرد بر چه اوزانی می آید؟
۳. فعل رباعی مجرد بر چه وزنی می آید؟
۴. تعریف فعل مزید چیست؟
۵. فعل ثلاثی مزید بر چه اوزانی می آید؟
۶. تعریف (مصدر) چیست؟
۷. مصدر فعلهای ثلاثی مجرد بر چه وزنهایی می آیند؟
۸. مصدر فعلهای ثلاثی مجرد قیاسی بر چه وزنهایی می آیند؟

الفعلُ المجرّدُ هو ما کانت جمیعُ حروفه أصليةً، و هو نوعان: ثلاثیٌ و رباعیٌ.

أوزان الفعل الثلاثي المجرد

للفعل الثلاثي المجرد ثلاثة أوزان: فَعَلَ +، فَعِلَ، فَعُلَ، نحو:

١. فَعَلَ ← يَفْعُلُ

أُتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ ٧٦/٢

مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا ٢/٣٥

فَعِلَ ← يَفْعِلُ

كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا ٣٧/٣

وَمَا وَجَدْنَا لَأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ ١٠٢/٧

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا ٣٠/٣

فَعُلَ ← يَفْعُلُ

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ ١٢٣/٣

وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا ٣/٤٨

٢. فَعَلَ ← يَفْعُلُ

وَأَنَا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَحَرَّحَ بِهَا ٤٨/٤٢

لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدِ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ٤/٣٠

فَعِلَ ← يَفْعِلُ

وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ ١٦/٢٧

يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا ٦/١٩

٣. فَعَلَ ← يَفْعُلُ

فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ٦/١٠١ ، ٧

فالفعل الثلاثي المجرد له مع مضارعه ستة أبواب هي:

الفعل المضارع	الفعل الماضي		الفعل المضارع	الفعل الماضي	
يَضْرِبُ	ضَرَبَ	٢	يَنْصُرُ	نَصَرَ	١
يَفْرَحُ	فَرَحَ	٤	يَفْتَحُ	فَتَحَ	٣
يَحْسِبُ	حَسَبَ	٦	يَكْرُمُ	كَرَّمَ	٥

الفعل الرباعي المجرد

للفعل الرباعي المجرد وزن واحد، و هو أن يكون مضارعاً مضموم حرف المضارعة، و مكسور ما قبل الآخر.

فَعَلَّ ← يُفَعِّلُ ← فَعَّلَهُ و فَعَّلَا

نحو: زلزل ← يُزَلِّلُ ← زَلَّزَلْ و زَلَّزَال، و نحو: بعثر، دحرج، ...

فَوَسَّسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ ١٢٠/٢٠

الَّذِي يُوسِّسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ٥/١١٤

الفعل المزيد

الفعل المزيد هو الفعل الذي زيد على حروفه الأصلية حرفاً أو حرفان أو ثلاثة أحرف، و هو نوعان: ثلاثي و رباعي، نحو: أكرم، شاهد، علم، احتمل، إنكسر، تعلم، تفاهم، إحمَر، استغفر، تزلزل، إطمأن.

و قال ابن مالك:

وافتح وضم واكسر الثاني من	فعل ثلاثي، و زد نحو ضمن ^١
و متناه أربع إن جرّداً	و إن يُزَدُ فيه فما ستاً عداً ^٢

أوزان الفعل الثلاثي المزيد

الفعل الثلاثي المزيد ثلاثة أنواع:

١. ما زيد على حروفه الأصلية حرف واحد و يأتي على ثلاثة أبواب:

١. أَفْعَلَ ← يُفَعِّلُ ← إِفْعَالاً، نحو:

إِنَّا لَنُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ٣٠/١٨

١. أي يأتي الفعل الثلاثي على ثلاثة أوزان فَعَّلَ، فَعَّلَ، فَعَّلَ، الثاني أي عين الفعل، و يأتي الثلاثي المجرد على وزن

فَعَّلَ، و هو المبني للمجهول.

٢. الفعل المجرد ثلاثي أو رباعي، والمزيد لا يتعدى سنة أحرف.

- وَهُمْ يَخْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ١٠٤/١٨
٢. فَعَلَّ ← يُفَعِّلُ ← تَفْعِيلًا، نحو
وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ ٣١/٢
وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ٤٨/٣
٣. فَاعَلَ ← يُفَاعِلُ مفاعلة و فعالاً، نحو
فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ ٢٠/٣. وَ مَنْ جَاهَدْ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ
٤٩/٢٩.
- فَلِمَ تَحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ ٦٦/٣، إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي ١/٦٠
٢. ما زيد على حروفه الأصلية حرفان و يأتي على خمسة أبواب:
١. افْتَعَلَ ← يَفْتَعِلُ ← افْتَعَالًا
قُلْ أَوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ ١/٧٢
وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ ٢٥/٦
٢. اِنْفَعَلَ ← يَنْفَعِلُ ← اِنْفَعَالًا
وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ ١٥٩/٣
هُمْ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا ٧/٦٣
٣. تَفَعَّلَ ← يَتَفَعَّلُ ← تَفَعُّلاً
سَاصْرَفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ ١٤٦/٧
وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ ١٠٢/٢
٤. تَفَاعَلَ ← يَتَفَاعَلُ ← تَفَاعُلًا
وَلَكِنَّا أَنْشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ ٤٥/٢٨
وَلَا تَتَّخِذُوا بِالْأَلْقَابِ ١١/٤٩
٥. اِفْعَلَّ ← يَفْعَلُّ ← اِفْعَلَالًا
فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ ١٠٦/٣

١. حَاجَ - يُحَاجُّ - مُحَاجَّةٌ، الْمُحَاجَّةُ: أَنْ يَطْلُبَ كُلُّ وَاحِدٍ أَنْ يَرُدَّ الْآخَرَ عَنْ حِجَّتِهِ الْمَفْرَدَاتِ: ١٠٨.

يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ ١٠٦/٣

٣. ما زيد على حروفه الصلية ثلاثة أحرف و يأتي على أبواب اشهرها:

استَفْعَلَ ← يَسْتَفْعَلُ ← اسْتَفْعَال

كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانٌ ٧١/٦

اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ١٥/٢

فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ ١٩٥/٣

وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ٢٦/٤٢

المصادر

المصدر: هو اللفظ الدال على الحدث دون زمان، متضمناً أحرف فعله. والمصدر أصل الفعل، و عنه يصدر جميع المشتقات، و هو قسمان: مصدر للفعل الثلاثي المجرد، و مصدر لغير الثلاثي المجرد (الثلاثي المزيد، الرباعي المجرد، الرباعي المزيد).

١. مصدر الفعل الثلاثي المجرد

مصدر الثلاثي المجرد سماعي، و يأتي على أوزان كثيرة، و ذلك نحو:

فَعَلَ ← نَصَرَ. فَعَلَ ← شَغَلَ. فَعَلَّة ← رَحِمَهُ فَعَلَّة. نَشَدَ. فَعَلَّة ← قُدِّرَ. فَعَلَى ← دَعَوَى!
فَعَلَى ← ذَكَرَى. فَعَلَى ← بُشِّرَى. فَعْلَان ← لَيَّان، فَعْلَان ← حَرَمَان. فَعْلَان ← غُفِرَان.
فَعْلَان ← خَفَقَان. فَعَلَ ← طَلَبَ. فَعَلَ ← خَنَقَ. فَعَلَ ← صَغَرَ. فَعَلَ ← هُدَى. فَعَلَّة ←
غَلَبَ سَرَقَةَ. فَعَالَ ← ذَهَابَ. فَعَالَ ← أَيَّابَ. فَعَالَ ← سُعال. فَعَالَةٌ ← زَهَادَةٌ. فَعَالَةٌ ←

١. النَشْدَةُ: جستجو كردن.

٢. اللَّيَّان: مصدر فعل (كوى، يلوى) است. يبيجين.

٣. الحَرَمَان: محروميت.

٤. الخَفَقَان: تبييدن.

٥. الخَنَقَ: خفه كردن.

٦. السُّمَال: سرفه كردن.

دِرَايَةِ. فُعَالَةٌ ← بُغَايَةٌ. ۱ فُعَالِيَّةٌ ← كَرَاهِيَّةٌ. فُعُول ← جُلُوسٌ. فُعُول ← قَبُولٌ.
فُعُولَةٌ ← صُعُوبَةٌ. فَعِيلٌ ← صَهِيلٌ. فُعُلٌ ← سُودٌ. ۲ فَعَلُوتٌ ← جَبَرُوتٌ. ۳ فَعْلُولَةٌ ←
صَيَّرُورَةٌ. ۴ فَعِيلَةٌ ← شَبِيَّةٌ. ۵ تَفْعَلَةٌ ← تَهْلُكَةٌ. ۶
مَفْعَلٌ ← مَدْخَلٌ. مَفْعَلٌ ← مَرْجِعٌ. مَفْعَلَةٌ ← مَسْعَاةٌ. ۷ مَفْعَلَةٌ ← مُحَمَّدَةٌ.

المصادرُ الثلاثيةُ القياسية^۸

۱. ان دلَّ الفعلُ على امتناع، فيغلب أن يكون مصدره على وزن (فَعَالٍ)، نحو: نَفَرٌ ←
نَفَارٌ. ۹ شَرَدَ ← شِرَادٌ. ۱۰ جَمَحَ ← جِمَاحٌ. ۱۱ أَبَقَ ← إِبَاقٌ. ۱۲ أَبَى ← إِبَاءٌ. ۱۳
۲. و إن دلَّ على حركة و اضطراب. كان مصدره على وزن (فَعْلَانٍ)، نحو: فَارَ ← فَوْرَانٌ.
هَاجَ ← هِيجَانٌ. مَارَ ← مَوْرَانٌ، ۱۴ غَلَى ← غَلِيَانٌ. ۱۵
۳. و إن دلَّ على صناعة أو شبهها. كان مصدره على وزن (فَعَالَةٍ)، نحو:

۱. البُغَايَةُ: طلب کردن.

۲. السُّودُّ: قدرت، توانایی، برتری.

۳. الجَبَرُوت: قوت، توانایی.

۴. صَيَّرُورَةٌ: شدن.

۵. الشَّبِيَّةُ: جوانان، جوانی.

۶. التَهْلُكَةُ: خود را به هلاکت انداختن.

۷. المَسْعَاةُ: جَلَدِیت، تلاش.

۸. مراد از (قیاسی) در مصادر فعلهای ثلاثی مجرد که سماعی هستند این است که، اگر از راه سماع مصدری دانسته نشد جایز است آنرا طبق (قیاس) بیان کرد. اما در صورت سماع به (قیاس) عمل نمی‌شود. چون مصادر بر خلاف این (قیاس) آمده است. و بعضی از فعلها چند مصدر هم دارند. (جامع الدروس العربیة ۱/۱۶۶).

۹. النَفَار: آماده جنگ شدن.

۱۰. الشِّرَاد: فرار کردن.

۱۱. الجِمَاح: منع کردن، سرکش شدن.

۱۲. الإِبَاق: فرار کردن.

۱۳. الإِبَاء: سرپیچی کردن.

۱۴. المَوْرَان: پس و پیش رفتن، نوسان داشتن.

۱۵. الغَلِيَان: جوشیدن.

- حاک ← حیاکة.^۱ خاط ← خیاطة. تجر ← تجارة. امر ← إمارة. زرع ← زراعة. سقر ← سفارة.^۲
۴. و إن دلّ على داء كان مصدره على وزن (فُعَال)، نحو: سَعَلَ ← سَعَال. دار ← دُور.^۳
- زکم ← زُکام. عَطَسَ ← عُطَاس.^۵ صَدَعَ ← صُدَاع.^۶
۵. و إن دلّ على صوت، كان مصدره على وزن (فُعَال)، او (فَعِيل)،^۷ نحو: صَرَخَ ← صُراخ.^۸ بَكَى ← بُكَاء. عوى ← عُواء.^۹ نَبَحَ ← نُبَاح.^{۱۰} صَهَلَ ← صَهِيل.^{۱۱} نَهَقَ ← نَهِيْق.^{۱۲} فَخَّ ← فَخِيخ.^{۱۳}
- وقد يجتمع (فُعَال و فَعِيل) مصدرين لفعل واحد، نحو: نَعَبَ الغرابُ نَعَاباً و نَعِيْباً.^{۱۴} و أَزَتْ القدرُ أَزَازاً و أَزِيْزاً.^{۱۵}
۶. و إن دلّ على مرض، و كان من باب (فَعِل)، كان مصدره على وزن فَعَلَ، نحو: وَرِمَ ← وَرَمَ. مَرَضَ ← مَرَضَ.

۱. الحیاکة: بافتن.

۲. السفارة: میانجیگری کردن، وساطت کردن. و أجازوا فی بعض المصادر من هذا الباب فتح الفاء نحو: «سفارة،

و کالة، وزارة، ولاية».

۳. السعال: عطسه کردن.

۴. الدُّور: سرگیجه.

۵. عطاس: سرفه کردن.

۶. صداع: سردرد.

۷. در زبان عربی برای هریک از صداها نامی است که ثعالبی نیشابوری متوفی سال ۴۲۹ هـ آنها را در کتاب (فقه اللغة و سر العربیة) باب بیستم بعنوان (فی الاصوات و حکایاتها) جمع آوری نموده است. فقه اللغة، الثعالبی.

افست اسماعیلیان. قم، بدون تاریخ. صفحه ۲۰۲.

۸. الصراخ: فریاد.

۹. العُواء: صدای گرگ.

۱۰. النُّباح: صدای سگ.

۱۱. الصَّهیل: صدای اسب.

۱۲. النهیق: صدای الاغ.

۱۳. الفخیخ: صدای خُرْخُر شخص خوابیده.

۱۴. النعيب: صدای کلاغ.

۱۵. الازیز: صدای دیگ در حال جوشیدن.

۷. و إن دلّ على لون، كان مصدره على (فُعلة)، نحو: حُمِرَ ← حُمْرَة. خُضِرَ ← خُضْرَة. صَفِرَ ← صُفْرَة.

۸. و إن دلّ على سير، كان مصدره على (فعليل)، مثل: رَحَلَ ← رَحِيل. ذَمَلَ البعير ← ذَمِيلاً^۱.

فإن لم يدلّ الفعلُ على معنىٍّ من المعاني المذكورة، فقياس مصدره على وزن (فَعْل)، أو (فَعْلٌ)، أو (فُعُولٌ)، أو (فُعُولَةٌ)، أو (فَعَالَةٌ):

۱. إذا كان الفعلُ الثلاثي: متعدياً، فالغالبُ في مصدره أن يكون على وزن (فَعْل)، نحو: رَمَى^۱ ← رَمِيًّا. ضَرَبَ ← ضَرْبًا. نَصَرَ ← نَصْرًا. قَالَ ← قولًا. فاز ← فوزًا.

۲. إذا كان الفعلُ مكسور العين لازماً، فالغالبُ في مصدره أن يكون على وزن (فَعْل)، نحو: فَرِحَ ← فَرَحًا. حَزَنَ ← حُزناً. جَوَى ← جَوًى^۲.

۳. إذا كان الفعلُ مفتوح العين لازماً، فالغالبُ في مصدره، أن يكون على وزن (فُعُول)، نحو: جَلَسَ ← جُلوساً. خَرَجَ ← خُرُوجاً. نَزَلَ ← نُزولاً. سَمَا ← سُموّاً. نما ← نُموّاً.

۴. إذا كان الفعلُ مضموم العين، فالغالبُ في مصدره أن يكون على (فُعُولَةٌ)، أو (فعالةً). نحو: سَهَّلَ ← سُهُولةً. صَعَبَ ← صُعوبةً. عَذَبَ ← عُدوبةً^۳. مَلَحَ ← مَلوحةً^۴.

فَصَحَ ← فَصاحةً. ضَحُمَ ← ضَخامةً. جَزَلَ ← جَزالةً^۵. ظَرَفَ ظَرافةً.

هذا هو القياسُ في مصادر الفعل الثلاثي، و ماورد خلاف ذلك فهو سماعيُّ، نحو: ذَهَبَ ← ذهاباً. عَظُمَ ← عظمةً. حَزَنَ ← حُزناً. رَكِبَ ← رُكوباً.

۱. الذميل: حرکت کردن شتر به آرامی، و با سرعت.

۲. الجوی: آتش عشق، سوزندگی عشق.

۳. العذوبة: گوارا بودن.

۴. الملوحة: شورى، شور بودن.

۵. جزالة المنطق: زبان‌آوری.

و قال ابن مالک:

فَعْلٌ، قِياسُ مصدرِ الْمُعَدَّى	مَنْ ذِي ثَلَاثَةِ، ك (رَدَّ، رَدًّا) ^١
و فَعْلٌ لَازِمٌ بِأَبْه (فَعْلٌ)	كَفَرَحَ، وَ كَجَوَى، وَ كَشَلَّ ^٢
و فَعْلٌ لَازِمٌ مِثْلَ قَعْدًا	لَهُ (فُعُولٌ) بِأَطْرَادِ كَعْدًا ^٣
مَا لَمْ يَكُنْ مُسْتَوْجِبًا: (فَعَالًا)،	أَوْ • (فَعْلَانَا) - فَادَا - أَوْ (فُعَالًا) ^٤
فَأَوَّلَ لَذِي امْتِنَاعٍ كَأَبِي،	وَالثَّانِي لِلذِّي اقْتَضَى تَقْلِبًا ^٥
لِلدَّاءِ (فُعَالٌ) أَوْ لَصَوْتٍ، وَ شَمَلِ	سِيرًا وَ صَوْتًا (الْفَعِيلُ) كَصَهْلٍ ^٦
(فُعُولَةٌ)، (فَعَالَةٌ) لَفُعَالًا	كَسَهْلٍ الْأَمْرِ، وَ زَيْدٌ جَزَلًا ^٧
و مَا أَتَى مُخَالَفًا لِمَا مَضَى ^٨	فَ بِأَبْه النِّقْلُ كَسُخْطٍ وَ رَضَى ^٩

و قال أيضاً: (مصدر الفعل الرباعي المجرد)

(فُعَالٌ أَوْ فَعْلَلَةٌ)، لِفُعَالًا	و اجعل مقيساً ثانياً لا أولاً ^٩
---------------------------------------	--

١. مصدر فعل ثلاثي مجرد متعدي، بر وزن (فَعْلٌ) می آید، مانند: ضَرَبَ، ضَرَبَ (ضَرْبًا)

٢. فعل ثلاثی مجرد لازم که بر وزن فَعْلٌ باشد، مصدرش بر وزن (فَعْلٌ) می آید، مانند: فَرِحَ، فَرِحَ (فَرَحًا).

٣. فعل ثلاثی مجرد که بر وزن (فَعْلٌ) باشد، مصدرش بر وزن (فُعُولٌ) می آید، مانند: جَلَسَ، جَلُوسٌ (جُلُوسًا)، غَدَا غُدُوً (غُدُوًّا).

٤. اگر مصدر [فعل لازم]، (فعال)، (فَعْلَان)، (فُعَالٌ) نباشد بر وزن [فُعُولٌ] می آید.

٥. وزن (فَعَالٌ) مصدر فعلهایی است، که دلالت بر امتناع داشته باشند، مانند: أَبَى، إِبَاءٌ و وزن (فَعْلَان) مصدر فعلهایی است که دلالت بر دگرگونی و حرکت داشته باشند، مانند: طَافَ طَوْفَانًا، جَال، جَوْلَانًا.

٦. وزن (فُعَالٌ) مصدر فعلهایی است، که دلالت بر بیماری یا صوت (صدا) داشته باشند، مانند: رُكِمَ، رُكَامًا. وَ نَعَبَ [الغرابُ] نُعَابًا. و وزن (فَعِيلٌ) مصدر فعلهایی است که دلالت بر حرکت، و یا صدا (صوت) داشته باشند، مانند: رَحَلَ، رَحِيلًا، صَهَلَتْ [الخیلُ] صَهِيلًا.

٧. اگر فعل بر وزن فَعْلٌ باشد. (فَعْلٌ) که بر این وزن باشد، همیشه لازم است) مصدرش بر وزن (فُعُولَةٌ) یا (فَعَالَةٌ) می آید، مانند: سَهَّلَ، سَهُولَةً. جَزَلَ، جَزَالَةً.

٨. اگر مصدری برخلاف آنچه گفته شد، سماعی است، مانند: سَخَطَ، سَخُطًا. وَ رَضَى، رَضًا. وَ ذَهَبَ، ذَهَابًا.

٩. مصدر فعل رباعی [فَعْلَلٌ] بر وزن (فَعْلَلٌ) یا (فَعْلَلَةٌ) قیاسی است، و وزن (فَعْلَلٌ) سماعی است، مانند، وَسَوَسَ، وَسَوَسَةً. دَخَرَ، دَخْرَجَةً و (دَخْرَاجًا).

تدريبات المجرد والمزيد

التدريب الأول

عين الأفعال المجردة والمزيدة فى الآيات التالية. واذكر الحروف الزائدة فى كل فعلٍ مزيد، واذكر وزن جميع الأفعال:

١. سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى. ١/٨٧، ٢، ٣، ٤.

٢. سَيِّدَكَ مَنْ يَخْشَى وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى ١٠/٨٧، ١١.

٣. إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ٥/١. وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ ٦/٧٤

٤. وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ١٣/٤٩. عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ١/٧٨

٥. فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى ١٠/٨٠. وَفَاكِهَةً مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ ٢٠/٥٦

٦. فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا ١٤/٩١

٧. أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ٢٨/١٣

٨. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ ٢٢٢/٢

٩. اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ ١/٥٤

١٠. فَإِذَا حُلِلْتُمْ فَاصْطَادُوا ٢/٥

التدريب الثانى

ميّز الأفعال المجردة من المزيدة، واذكر حروف الزيادة فيها، ثم ترجم الأفعال جميعها إلى اللغة الفارسية:

غَفَرَ، اسْتَغْفَرَ. عَمِلَ، اسْتَعْمَلَ. جَمَعَ، اجْتَمَعَ. فَخَرَ، تَفَاخَرَ. خَفَضَ، انْخَفَضَ. عَشِبَ، اِغْشَوْشَبَ. عَجَلَ، قَشَعَرَ، اقْشَعَرَ. ذَبَذَبَ، تَذَبَذَبَ، بُعِدَ، تَبَاعَدَ.

التدريب الثالث

هات مجرد الأفعال المزيدة الآتية:

إِشْمَارٌ، اِنْتَفَتْ، تَرَاوَجَ، حَافَظٌ، اِخْضَرَّ، تَزَلَزَلَ، تَهَذَّبَ، تَبَايَحَتْ، يَسْتَهْزِئُ، اسْتَوْدَعَ،

تَسْتَقِرُّ، تَطْمَئِنُّ، تَجْلِبِبُ، يَخْشَوْنَ، نَادَوْا، تَعَاطَى، تَطَاوَلَ، تَهَجَّدَ، يَتَبَرَّجْنَ، يَتَفَجَّرُ.

التدريب الرابع

يَبَيِّنُ باب كل فعل من الأفعال التالية.

وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ. ٣/٨٢ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ. ٣٤/٧٠ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى. ١٤/٨٧ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى. ٨/٩٢

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَوْمُونَ ٣٠/٦٨ تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ ٥/٤٢ وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ٥/٢٢

وَإِذَا ذُكِّرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ ٤٥/٣٩

التدريب الخامس

أَلْحَقْ بكل فعل من الأفعال التالية ما يقبله من حروف الزيادة كما جاء في القرآن الكريم: عَمَرَ، فَتَحَ، خَرَجَ، عَلِمَ، كَبُرَ.

التدريب السادس

اذكر باب كل فعل من الأفعال التالية و تبدل الأفعال المعتلة بالفعال صحيحه

غَضِبَ، يَغْضَبُ، ذَهَبَ، يَذْهَبُ. حَرَصَ، يَحْرِصُ. عَلِمَ، يَعْلَمُ. جَلَسَ، يَجْلِسُ. بَاعَ، يَبِيعُ.^١
صَادَ، يَصِيدُ.^٢ دَعَا، يَدْعُو.^٣ مَضَى، يَمْضِي.^٤ مَدَّ، يُمَدُّ.^٥ دَنَا، يَدْنُو.^٦ قَامَ، يَقُومُ.^٧ صَاغَ، يَصُوغُ.^٨

١. أصله: يَبِيعُ، يَبِيعُ.

٢. أصله: صَيَدَ، يَصِيدُ.

٣. أصله: دَعَوَ، يَدْعُو.

٤. أصله: مَضَى، يَمْضِي.

٥. أصله: مَلَدَ، يَمْلَأُ.

٦. أصله: دَنَى، يَدْنُو.

٧. أصله: قَامَ، يَقُومُ.

٨. أصله: صَوَّغَ، يَصْنَعُ.

صَعْبٌ، يَصْعَبُ. سَهْلٌ، يَسْهَلُ. هَرَبٌ، يَهْرُبُ.

التدريب السابع

- الف) اكتب خمس جمل يَشْتَمِلُ كُلُّ مِنْهَا على فعلٍ ماضٍ من بابِ نَصَرَ.
- ب) اكتب خمس جمل يَشْتَمِلُ كُلُّ مِنْهَا على فعلٍ ماضٍ من بابِ ضَرَبَ.
- ج) اكتب خمس جمل يَشْتَمِلُ كُلُّ مِنْهَا على فعلٍ ماضٍ من بابِ فَتَحَ.
- د) اكتب خمس جمل يَشْتَمِلُ كُلُّ مِنْهَا على فعلٍ ماضٍ من بابِ فَرِحَ.
- هـ) اكتب ثلاث جمل يَشْتَمِلُ كُلُّ مِنْهَا على فعلٍ ماضٍ من بابِ كَرُمَ.

التدريب الثامن

اذكر أوزان الأفعال التالية ثم عَيِّن المجرّد منها و اذكر مصادرها:

إِسْتَبَقَ تَذَكَّرَ. اسْتَكْبَرَ. تَفَاهَمَ. تَنَازَعَ. اسْتَغْفَرَ. اسْتَعْظَمَ. تَشَاوَرَ. فَسَّرَ. اِنْسَلَخَ.
تَبَرَّجَ. تَزَلَّزَلَ. اِنْتَقَمَ. اِطْمَأَنَّ.

التدريب التاسع

بيِّن حروف الزيادة و مصادر الافعال التالية:

سَبَّحَ، اِحْمَرَّ، اِسْتَعَانَ، اِرْتَدَّ، تَهَجَّدَ، اِحْدَوْدَبَ، تَمَنُّطَقَ، تَعَاْفَى، اِعْتَذَرَ، اِنْتَقَلَ، اِفْتَقَدَ،
تَعَالَى، تَغَاْفَلَ، اِشْتَهَرَ، اِسْتَمْتَعَ.

التدريب العاشر

ترجم الجمل التالية الى اللغة الفارسية:

١. أَقْعَدْتُ زَيْدًا
٢. اَنْمَرَ الشَّجَرَ
٣. اَمْسَى الْمَسَافِرُ نَائِمًا
٤. طَافَ زَيْدٌ فِي الْمَدِينِ

٥. ... وَغَلَقَتِ الْأَبْوَابَ ٢٣/١٢
٦. كَذَّبَ النَّاسُ زَيْدًا
٧. تَصَبَّرَ زَيْدٌ مِنَ الْمَصِيبَةِ
٨. تَوَسَّدْتُ ذِرَاعِي
٩. تَزَوَّجَتْ مَرْيَمُ
١٠. تَنَاسَى الرَّجُلُ الْمَوْعِدَ

التدريب الحادى عشر

اذكر اوزان و مصادر الافعال الثلاثية المزيدة، ثم ترجمها الى اللغة الفارسية:

١. وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ٨٣/٣
٢. عَلِمْتَ نَفْسٌ مَا أَحْضَرَتْ ١٤/٨١
٣. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ ٣٤/٣٥
٤. فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ١٥/٨٩
٥. إِنَّ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ ٤/٢٥
٦. قُلْ إِنْ اللَّهُ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَ ٢٧/١٣
٧. فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ ٢٨/٥١
٨. تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ وَ تَوَلَّى وَ جَمَعَ فَأَوْعَى ١٧-١٨/٧٠
٩. ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ٢٨/٢
١٠. ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ٢١/٨٠

التدريب الثانى عشر

أذكر أوزان و مصادر الأفعال الثلاثية المزيدة، ثم ترجمها إلى اللغة الفارسية، فى الآيات التالية:

١. وَأَذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرَ كُمْ ٨٦/٧
٢. رَبَّنَا لَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ٢٨٦/٢

٣. مَا فَرَطْتُمْ فِي يُوسُفَ ٨٠/١٢
 ٤. فَالَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا ١٠٣/٣
 ٥. فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا ٧٩/٢١
 ٦. وَ سُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ ١٥/٤٧
 ٧. فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ فَكَذَّبَ وَ عَصَى ٢١/٧٩-٢٠
 ٨. وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ٤٣/٦

أجوبة تدريبات المجرد والمزيد

التدريب الأول

الوزن	الحروف الزائدة	الفعل المزيد	الفعل المجرد
فَعَلَ	تكرار عين الفعل	سَبَّحَ	—
فَعَلَ	—	—	خَلَقَ
فَعَلَ	تكرار عين الفعل	سَوَّىٰ	—
فَعَلَ	تكرار عين الفعل	قَدَّرَ	—
فَعَلَ	—	—	هَوَىٰ
أَفْعَلَ	الهمزة	أَخْرَجَ	—
يَتَفَعَّلُ	ذ (ت)، تكرار عين الفعل	يَذْكُرُ	—
يُفَعِّلُ	—	—	يُخَشِّيٰ
يَتَفَعَّلُ	ت، تكرار عين الفعل	يَتَجَنَّبُ	—
نَفَعُلُ	—	—	نَعْبُدُ
نَسْتَفْعِلُ	الهمزة، السين، التاء	نَسْتَعِينُ ^١	—
تَفْعُلُ	—	—	تَمْنُنُ
تَسْتَفْعِلُ	الهمزة، السين، التاء	تَسْتَكْتَرُ	—
فَعَلَ	—	—	جَعَلَ
تَفَاعَلُوا	التاء، الألف	تعارفوا ^٢	—
يَتَفَاعَلُونَ	التاء، الألف	يَتَسَاءَلُونَ	—
تَفْعَلُ	التاء، تكرار عين الفعل	تَلْهَىٰ	—
يَتَفَعَّلُونَ	التاء، تكرار عين الفعل	يَتَخَيَّرُونَ	—

١. يُعتبر في حروف الزيادة، الفعل الماضي (المفرد، المذكر، الغائب).

٢. لا يعتبر الضمير المتصل بالفعل من الحروف الزائدة.